

ترجمه : عبدالحسین آذرنگ

نوشته : ك. ج. مكومبو

کتابداری فقر

در این گزارش کوشش بر این است که مشخصات اصلی کتابداری در شرایط «فقر» بر شمرده شود. تاجایی که من می‌دانم و اعتقاد دارم، این همان شالوده‌ای است که هر گونه بحث با معنایی درباره کار اطلاعاتی در کشور-های توسعه نیافته باید بر آن استوار شود.

هدف گزارشم این است که بر چهار اصل، که از نظر من در کشورهای روبه توسعه تعیین کننده ارتباط اجتماعی کار اطلاعاتی است، قرار گیرد و بر اساس آنها بسط و تفصیل یابد. این گزارش توصیه‌ای شخصی است و اضافه می‌کنم دیدگاههایی که در اینجا بیان شده است لزوماً بازتاب موضع رسمی سازمان متبوع من - مرکز خدمات کتابداری تانزانیا - نیست. به همین ترتیب انتقاد متوجه نهاد یا شخص بخصوصی نیست، و اگر به نظر می‌رسد که هست، صمیمانه پوزش می‌خواهم.

ارتباط با جامعه :

کارکنان اطلاعاتی اگر که کارشان با جامعه ارتباط دارد باید شرایطی را تدوین و تنظیم کنند که با نیاز جامعه‌های توسعه نیافته سازگار باشد. در حال حاضر این طور به نظر من می‌رسد که این گونه شرایط تا اندازه زیادی موجود نیست و آنجا که موجود است، گنگ و غالباً نامربوط است. در زیر از اصولی یاد می‌شود که مانع بشمار نمی‌آید و به اعتقاد من می‌تواند

در تدوین و تنظیم شرایط مناسب (و توجیه اصول ویرانگر یاد شده در بالا) کمک کند.

- ۱- این اصل که عامل عمده تعیین کننده کار اطلاعاتی در کشورهای روبه توسعه، به جای فراوانی باید فقر باشد.
- ۲- این اصل که کار اطلاعاتی در کشورهای روبه توسعه با کار اطلاعاتی در کشورهای توسعه یافته آشکارا فرق دارد.
- ۳- این اصل که گرد آوردن مجموعه‌ای از معرفت درباره اینک بهترین راه انجام این چالش چگونه است امکان دارد.
- ۴- این اصل که کارکنان اطلاعاتی باید در روند توسعه اجتماعی - اقتصادی نقش فعالانه‌ای ایفا کنند.

کار اطلاعاتی و فقر :

در بیان این مطلب که کار اطلاعاتی در کشورهای توسعه نیافته باید بر اساس فقر استوار باشد، نکاتی را متذکر می‌شوم که بداهت آن بخوبی می‌تواند مسأله را طرح کند. تقسیم جهان به شمال غنی و جنوب فقیر نه تنها در سطوح مختلف درآمد و در اختلاف آشکار در بیشتر چیزهایی که زندگی را قابل تحمل می‌سازد منعکس است، بلکه تدارک اطلاعات را با همین اندازه وضوح به دو پاره تقسیم می‌کند.

در کشورهای توسعه نیافته انسان عادی فقیر و بی‌سواد است و توجه او به جنبه‌های اساسی بقاء است و بیش از چهار پنجم درآمدش فقط صرف غذا می‌شود. او گرسنه است، درست تغذیه نمی‌شود و بیماریهایی چون مالاریا، بیماری خواب و وبا همراهان دایمی او هستند. خردسالان بیش از بزرگسالان در رنج و عذابند. بیماریهای کواشیاکور و انگلی، بیش از آنکه به دهه‌سالگی برسند، با زندگی آنها دست به‌گریبان است. فقط چهل درصد این کودکان مدرسه ابتدایی را به پایان می‌برند.

بیش از ۹۰ درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند، در جاهایی که رفت و آمد و ارتباط بسیار دشوار است. در شهرها، خارج از محدوده‌ای

که نخبگان در آن می‌نشینند، بیشتر مردم در محله‌های پست و کثیف و به اصطلاح در کوخ زندگی می‌کنند. خانه‌ها مملو از جمعیت است و سطح زندگی بر اساس هر معیاری، چه انسانی و چه غیر آن، رقت‌انگیز است. کم‌کاری و بیکاری شایع است، و درآمد ملی نیست که سال به سال به‌طور یکنواخت افزایش می‌یابد، بلکه محرومیت و رنج انسانی است. زمینه دیگر رشد، آهنگ زاد و ولد است که با سرعت ۳ درصد در سال، که در چنین دنیایی «بهترین» سرعت است، افزایش می‌یابد.

این تشریح از فقر واقعیت اجتماعی مطمئناً باید ماهیت، هدفها و فلسفه کتابداری را در کشورهای توسعه نیافته تعیین کند. برای مثال، نوع خدمت‌های اطلاعاتی را جایی که مقدار پول موجود به نسبت هر نفر کمتر از چند پیشیز است، فقر تحمیل می‌کند. همین فقر است که عامل فقدان کارکنان آموزش دیده، ضعف صنعت نشر و قفسه‌های خالی است. خلاصه آنکه دنیایی است دستخوش تبعیض و اختلاف، دنیایی که بر بخشی از آن فقر، جهل و بیماری حکومت می‌کند.

این عاملها که بر شمردیم، برای کسانی که در کشورهای توسعه نیافته کار اطلاعاتی می‌کنند، مبارزه‌ای خطیر است و به کار اطلاعاتی کیفیتی بسیار متفاوت می‌بخشد.

اکنون سه پرسش به میان می‌آید که لازم است آنها را طرح کنیم. در چنین موقعیتی کسی که کار اطلاعاتی می‌کند، برای اینکه با کارایی عمل کند به چه دانش و مهارت‌های اساسی نیاز دارد؟ این دانش را چگونه می‌توان در جامعه توسعه نیافته با حداکثر فایده به کار برد؟ آیا ممکن است درباره چگونگی بهترین روش این مبارزه مجموعه‌ای از دانش فرا آورد؟ من نمی‌توانم ادعا کنم که برای این پرسشها پاسخهای آماده‌ای دارم. پیدا است که برای گفتن پاسخهای لازم به این پرسشها تعداد زیادی پژوهش چندرشته‌ای لازم است. با این حال می‌توان مشاهداتی انجام داد.

برای رویارویی بهتر با این مسائل و گرد آوردن دانش و مهارت‌های لازم برای حداقل استفاده کارکنان اطلاعاتی در کشورهای روبه توسعه،

به نظر من کنفرانسها و مجلات می‌توانند فضای مناسبی برای ایجاد و توسعه استراتژیها به وجود آورند.

مجموعه‌ای از دانش برای رویارویی با این گونه چالشها:

اعتقاد راسخ من این است که گردآوردن مجموعه‌ای از دانش درباره اینکه این رویارویی چگونه به بهترین وجه انجام بگیرد، نکته‌ای که بصراحت بدان اشاره شد، کاملاً امکان‌پذیر است. چنین وظیفه‌ای در وهله اول به نوعی نگرش خاص ذهنی و در وهله دوم به روش شناسی مناسبی نیاز دارد تا نتایج مطلوب را به دست دهد.

به نگرشی نیاز است که از سنخ نگرشهای باز و عینیت‌گرا باشد. برای اینکه هر جنبه‌ای از کتابداری را در بوته جدی نقادی و ارزشیابی قرار دهیم باید مهیا باشیم، زیرا چه این نگرش را دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم، پیش از آنکه به طرف ناشناخته برویم، ناگزیریم از شناخته شده آغاز کنیم. از طریق این روش انطباق یافته، ایجاد مجموعه قابل توجهی از شناخت که مناسب نیازهای کشورهای توسعه نیافته باشد ممکن می‌شود. البته بقیه شناختی که بدان نیاز هست باید از موقعیت موجود و مشکلات خاص به دست آید.

این مساله نکته‌ای شناخته شده است که وقتی نظریه‌ها از خارج وام گرفته شده باشند، عملاً در زمینه‌ای کاملاً متفاوت و به خطا بکار می‌روند. به جرأت می‌توانم بگویم ایجاد مجموعه مشخصی از دانش که مناسب نیازهای کشورهای توسعه نیافته باشد و این دو روش در آن به کار رود، ممکن است.

در وهله نخست چنین دانشی فاقد صورت است و مرزهای کاملاً مشخص و هماهنگی میان زمینه‌ها ممکن است همیشه آشکار نباشد. البته جنبه بالقوه نیرومند آن در این واقعیت نهفته است که این شناخت نظری است که از مسائل اجتماعی موجود تحول می‌یابد. دانشی که به صورت کلی وارد شود دانش نیست، بلکه انتزاعی و غالباً نامربوط است. چنین

شناختی به جامعه‌شناسی و اقتصاد توسعه نیافتگی نزدیکتر خواهد بود تا به کتابداری سنتی‌ای که امروزه در بیشتر کشورهای توسعه نیافته شناخته و بدان عمل می‌شود.

جنبه جدی این عمل، آن چیزی را ثابت می‌کند که به موقعیتی خاص در لحظه‌ای خاص مربوط می‌شود. این ارتباط موقعیت است که به نظریه جدید کتابداری فقر شکل خواهد داد. بابه کار گرفتن این رهیافت می‌توان بسط و توسعه چارچوبی را برای زمینه‌های زیر ممکن ساخت.

۱- الگوی خدمت‌های اطلاعاتی.

۲- نقش کارکنان اطلاعاتی.

۳- عامل‌های اجتماعی موجود و کاربردهای آنها برای کارکنان اطلاعاتی.

۴- رابطه میان کار اطلاعاتی و توسعه اجتماعی - اقتصادی.

پیش از آنکه به باز کردن این زمینه‌های چهارگانه بپردازیم، باید بر این نکته تاکید کنم که همکاران کتابدار ما و اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، عالمان سیاست و آموزشگران کارهای زیادی انجام داده‌اند که هدف آن بسط و توسعه بنیادی نظری برای حرفه‌های خود آنهاست، یعنی چیزی که به کشورهای توسعه نیافته مربوط می‌شود. با مطالعات تطبیقی چندرشته‌ای دقیق می‌توانیم نکته‌های زیادی بیاموزیم که در این کار ارزش بسیار دارد، البته اگر فقط برای لحظه‌ای می‌توانستیم خارج از رده‌بندیهای دیویدی، سرعنوانهای سیرز و قواعد فهرست‌نویسی بیندیشیم.

خدمت‌های اطلاعاتی باید بازتاب منابع کشور باشد :

این سخن که از نظر مالی روساخت اطلاعاتی به بنیادی اقتصادی وابسته است، شاید سخنی بدیهی پنداشته شود. البته در عمل بیشتر «برنامه-ریزان» واحدهای اطلاعاتی از پیشداوریه‌ها آزاد نیستند، پیشداوریهایی که آموزش کشورهای توسعه یافته از راه آنها القاء می‌شود. معیارهایی که در نواحی توسعه نیافته برای کتابخانه‌ها پیشنهاد شده غالباً رونویسی

مو به‌مو از کتابهای درسی انگلیسی و امریکایی است.

به‌نظر من نگرشی عینی می‌تواند ما را وادار به‌قبول این نکته‌کند که برای موقعیت موجود، مجموعه‌ی تازه‌ای از معیارهای مرتبط تر لازم است. آغاز کار را باید بر این موقعیت اساسی گذاشت که منابع محدود باید گسترش یابد تا حداکثر فایده‌ی اجتماعی حاصل شود. البته فایده‌ی اجتماعی مفهومی است که سنجش آن آسان نیست. بسادگی می‌توان وسایل را با هدفها خلط کرد. بسیاری از اوقات با دادن «آمارهای» مربوط به‌ساختمانهای پنج سال گذشته کتابخانه‌ها، شمار وسایل نقلیه‌ی خریداری شده و کتابداران و تکنیسینهایی که برای آموزش فرستاده شده‌اند، فخر می‌فروشیم. این تاکید متأسفانه نابجاست. مثل این است که کارخانه‌ای اتومبیل‌سازی سعی کند برعهده‌ی کارگران و برمساحت کارخانه‌اش بیفزاید، نه‌اینکه محصولات اتومبیل خود را به‌حداکثر برساند.

مبلغی را در نظر می‌گیریم، فرض کنید چند میلیون تومان. با توجه به‌این مبلغ باید بتوانیم پی‌ببریم که کدام برنامه‌ی هزینه، حداکثر فایده را دارد. با استفاده از روشهای هزینه - سودآوری و هزینه - کارایی می‌توانیم ارزانترین راه رسیدن به‌هدفمان را بیابیم. می‌توانیم به‌جای وسیله‌برمحصول نهایی تاکید کنیم.

این شرایط فقر بدین معناست که حداکثر استفاده از منابع محدود در تأمین خدمتهای اطلاعاتی، استراتژی اصلی است. ساختن کتابخانه، آموزش کتابدار و خریدن وسیله‌ی نقلیه فقط وسیله‌ی رسیدن به‌هدف است، نه به‌خودی‌خود هدف واحد اطلاعاتی. مسأله‌ی اصلی این است که چگونه می‌توان به‌عهده‌ی بیشتری از مردم به‌عنوان نتیجه‌ی قلم‌خاصی از هزینه خدمت رساند؟

با توجه به‌اکثریت واحدهای اطلاعاتی پی‌می‌بریم که دستمزدها حدود ۶۰ درصد و هزینه‌های سرمایه‌ای خیلی بالاست. این دو قلم هزینه، مانع توسعه‌ی خدمتهای اطلاعاتی در بیشتر کشورهای توسعه نیافته شده است. این وضعیت مضحک که فهرست‌نویس، مدرکی برای فهرست‌نویسی به‌دستش

نرسد، پدیده‌ای بسیار رایج است.

هزینه‌های سرمایه‌ای بسیار، نتیجه تلاش برای دست‌یافتن به مفروضاتی است که تقلید از مفروضات موجود در اروپا و امریکای شمالی است. ساختمانها باشکوه است، اما چون منابع جداً محدود است، این بدان معناست که در یک دهه فقط می‌توان یک یا دو عمارت از این بناهای با ابهت را ساخت. روند گسترش روساختی اطلاعاتی در سراسر کشور، با انتخاب این سیاست پرخرج با وقفه و تأخیر بسیار روبه‌رو می‌شود. اگر روشهای هزینه - سودآوری را به‌کار ببندیم، می‌توانیم پی‌ببریم که ساختمانهای ارزان، کوچک و قابل نگهداری آسان که با مصالح ارزان ساخته شده باشد، کلید مهمی برای رشد سریعتر خدماتهای اطلاعاتی ماست.

از این نکات این نتیجه به دست می‌آید که معیار خدماتهای اطلاعاتی را باید براساس توانایی اقتصادی کشور قرارداد. اگر الگوی خدماتهای اطلاعاتی از توسعه کلی اقتصادی جلوتر قرار می‌گیرد، معیارهایی باید گذاشت که حفظ کردن آنها در خور کیسه کوچک کشور باشد. ممکن است عده‌ای اندک‌شمار از خدمت بسیار خوبی بهره‌مند باشند، اما بیشتر مردم از هیچ‌گونه خدمتی بهره‌مند نخواهند بود یا خدمتی که از آن بهره‌ورند، ناکافی است و از دسترس بدور است.

برنامه‌ریزی خدماتهای اطلاعاتی در کشورهای روبه‌توسعه نیاز به آن دارد که با زمان و مکان خاص بدقت مرتبط شود. وسوسه معیارهای برتر و پیچیدگی و بزرگی، پیش از آنکه نیازها توسعه یابد، باید متوقف شود. در برنامه‌های اعتباری با این نتیجه‌گیری باید همراه شد که هرگاه خدماتهای اطلاعاتی مقدار زیادی سرمایه و مجموعه‌ای از مهارت بطلبد، کوشش کمتری در گسترش پوشش خدماتهای اطلاعاتی باید انجام داد.

دلیل دیگری نیز وجود دارد که چرا برنامه‌هایی که نسبت محصول سرمایه‌ای آنها کم است، بر برنامه‌های دیگر ترجیح دارد. اقتصاد بیشتر کشورهای روبه‌توسعه دستخوش نوسان دائمی است، زیرا این نوسان به‌صورت چند نوع غلات یا محصولات اندک بستگی دارد. مادام که قیمت‌های

جهانی در نوسان است، اقتصاد دستخوش افت و خیز قیمت‌ها و تغییر و تلاطم پی‌درپی است. درآمدهای دولت که به این گونه درآمدها بستگی دارد، منعکس‌کننده این گونه چرخه‌های اقتصادی است: برنامه‌های پرخرج در دوره‌های خیز اقتصادی آغاز می‌شود و همین برنامه‌ها در دوره‌های افت، مصرف‌کننده دردناک درآمدهاست.

نقش کارکنان اطلاعاتی :

بیشتر کارکنانی که در کشورهای توسعه نیافته سمتهای بالارا دارند، در کار اطلاعاتی بدان گونه که در کشورهای صنعتی عمل می‌شود، آموزش دیده‌اند. ناگفته نماند که نگرش رایج این است که این راهی است که استفاده کنندگان باید بدان عمل کنند، و راهی است که خدمت‌های اطلاعاتی باید در آن انجام بگیرد. عقیده من، که قبلاً گفتم، این است که این نگرش به مسائل خطاست، زیرا مراعات استانداردهای مسرفانه خدمات که در نوعی کشور توسعه یافته وجود دارد در کشور فقیر ناممکن است، مگر آنکه هدف فراهم آوردن خدمتی اطلاعاتی برای آینده باشد تا اکثریت افراد در جامعه‌های در حال توسعه از آن استفاده ببرند، در واقع متأسفانه این طور به نظر می‌رسد که این هدف، هدف ناگفته بسیاری از خدمات اطلاعاتی در کشورهای در حال توسعه است. بسیاری از نظام‌های کتابخانه‌های عمومی پس از سالها موجودیت و میلیونها هزینه نتوانسته‌اند به بیش از یک درصد جمعیت نواحی خود خدمت برسانند.

در بیشتر کشورهای توسعه نیافته نسبت سند به هر نفر، میانگین مبلغی که سالانه برای هر نفر خرج می‌شود و کارکنان آموزش یافته به نسبت جمعیت، پایین است. به رغم این واقعیتها، تعدادی نواحی مناسب از استاندارد خدماتی بهره‌مندند که برپایه استانداردهای اروپایی شکل گرفته است. اگر سالها طول می‌کشد تا خدمات به یک درصد جمعیت برسد، پس چه مدت طول خواهد کشید تا به ۹۹ درصد باقی مانده برسد؟ اگر این سالها را ۱۵ فرض کنیم، آیا ۹۹×۱۵ سال طول خواهد کشید تا خدمت به کل

جمعیت رسانده شود؟ نگرانی من این است که اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، قضیه همین است. می‌توانیم سهواً آن گونه خدمتی ایجاد کنیم که بیل (۱) (۱۹۶۲) مشخصات آن را یاد کرده است :

«خدمتی که برای همه در نظر گرفته می‌شود، تنها اقلیتی کوچک از آن برخوردار می‌شوند، و اکثریت مردم آن را می‌خواهند»

در حوزه برنامه‌ریزی نیروی انسانی باید مراقبت به عمل آورد که کارکنان مورد نیاز به تعدادی تربیت شوند که با توسعه خدمات همگام باشد. به سبب کمیابی منابع، ممکن است بیشتر بر تکنیسین تاکید گذاشته شود تا کتابدار.

در کشورهای توسعه نیافته به سبب کمبود کتابدار تکنیسینها نقشی متفاوت و مهمتر ایفا می‌کنند و این وضعیت برای دهه آینده ادامه خواهد یافت. کاری که تکنیسینها انجام می‌دهند، شامل وظایفی چون فهرست-نویسی، نمایه‌سازی، راهنمایی خوانندگان، جست و جوی کتابشناختی و مواد و مطالب است. این وظایف طبیعتاً به مهارتی بیش از آن نیاز دارد که همتهای تکنیسینها در کشورهای توسعه یافته انجام می‌دهند، و دلیلش این است که کس دیگری وجود ندارد که این کارها را انجام بدهد.

اگر همه کارکنان آموزش دیده به این ضرورت آگاهی بیابند که کارکنان زیردستان را تربیت کنند، کمبود نیروی انسانی را می‌توان برطرف کرد. این گونه تلقی تأثیر بهمن وار خواهد داشت، زیرا کارکنان تربیت یافته، خودشان فعالیتهای آموزشی را در واحدهای اطلاعاتی شان انجام خواهند داد.

این طور به نظر می‌رسد که کمیابی هر چیزی موجب شود که همکاری میان واحدهای اطلاعاتی به اقتصادی عمل کردن براساس منابع و منافع کلی بینجامد. با این وصف همان طور که در بیشتر کشورهای توسعه نیافته دیده می‌شود، توافق کردن بر سراهمیت همکاری یک چیز است، اما عمل

کردن به آن چیزی کاملاً متفاوت. بعضی مانعهای روانی بر سر همکاری وجود دارد که کتابخانه‌های مایل به همکاری در کشورهای ما لازم است بر آنها غلبه کنند.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، کشورهای توسعه نیافته فرصتهای شغلی و فعالیت بسیار محدودی دارند. کوششهایی که برای پذیرفتن مخاطره‌های همکاری به عمل می‌آید با بدبینی تلقی می‌شود، زیرا افراد نیدخل به یکدیگر به عنوان رقیبان بالقوه نگاه می‌کنند. آنهایی که مشخصات مشابه دارند و در زمینه مشابه کار می‌کنند، هر چیزی را که دیگری به دست آورد، در این تنازع بقای خیالی اما شدید، به منزله تهدیدی علیه موقعیت به شمار می‌آورند. واقعیت این است که به ندرت ممکن است کسی یافت شود که آماده باشد منافع خودش را تحت الشعاع هدف اجتماعی گسترده‌تری قرار دهد.

از این گذشته، تبادل آرای ثمربخش کار دشواری است، زیرا کارمند ارشد کسر شأن خود می‌داند که بر اساس رهنمود یا توصیه دیگری - مخصوصاً اگر ارشد نباشد - عمل کند، زیرا این می‌تواند نشانه آن باشد که برتری دیگری را پذیرفته است.

فقدان آشکار فهرستگانها، فهرست مشترک نشریه‌های ادواری و برنامه‌های فهرست نویسی مشترک، گواه این مشکل روانی است. مادام که کارکنان اطلاعاتی به این نکته پی نبرند که تنها با کار با هم نه با کار علیه هم است که می‌توانند به هدفهایشان برسند و به جامعه نشان دهند که ظرفیت انجام چه کاری را دارند، ادامه انزوا و سبقت ویکه تازی منشأ ضعف است و به نا کارآمدی کلی می‌انجامد.

عوامل اجتماعی موجود و کاربردهای آنها برای کارکنان اطلاعاتی:

در قسمتهای پیشین این مقاله به چند عامل اجتماعی موجود، نبودن منابع و طرحهای مبتنی بر استانداردهای واشنگتن و لندن، و نا ایمنی روانی کارکنان اطلاعاتی که همکاری را ناممکن می‌سازد و نظایر آن پرداختیم.

حوزه دیگری که هنوز نکاویده مانده، آموزش است و نگرش متعارض جامعه به این موضوع.

چهبسا نویسندگان خوب یادآور شده‌اند که آموزش پل اصلی میان خواندن و استفاده از کتابخانه است و از این رو سطح آموزش هر چه بالاتر باشد، احتمال بهره‌وری از خدمات کتابخانه بیشتر است. با این حال با توجه به تجربه کشورهای توسعه نیافته این تعمیم همیشه درست نیست.

عامل تعیین کننده، فقط «آموزش» تنها نیست؛ نوع آموزشی که فرد می‌بیند نیز تعیین کننده احتمال استفاده مستمر او از خدمات کتابداری و اطلاعاتی در جامعه است. آموزش رسمی در جامعه‌های توسعه نیافته تا اندازه زیادی تابع نگرشهای فرهنگی به قدرت - اعم از خانوادگی، مذهبی یا سیاسی - است. نگرشی که بسادگی پذیرفته می‌شود، پیروی بی‌چون و چرا از این سرچشمه‌های قدرت است. اتاق درس عالم صغیری از عالم کبیر خارج است؛ آموزش تا اندازه زیادی پذیرش بدون قید و شرط قدرت آموزش است. کتابها و هر مطلب خواندنی دیگری فقط نقش کوچکی را در این جریان بازی می‌کند. جزوه نویسی و تک‌متنی، دانشجو را فقط از دیدگاه تحصیل دانشگاهش می‌بیند. برای نوآوری، تجربه اندوزی و تحلیل عینی - حتی در سطح دانشگاه - فرصت کمی باقی می‌گذارد.

نکته کاملاً آشکاری است که هر جنبه نظام آموزشی ما مانع بازدارنده ایجاد عادت‌های وسیع خواندن است. به قدرت ممکن است بیرون از محل درس تکلیف‌های خواندنی تعیین شود، یا اگر تعیین می‌شود، صرفاً جنبه ظاهری دارد. اگر دانشجو این قدر جسور باشد که به مطالعه وسیع دست بزند و افکار خودش را، یا اندیشه‌های معارض با سخنرانیهای استاد را، منظم و مدون کند، پس در امتحانها حتماً مردود می‌شود.

نظام آزمون در بیشتر کشورهای توسعه نیافته، این کوتاه‌نظری را شدیداً تقویت می‌کند. به علت فرصت‌های محدودی که در آموزش متوسطه

و عالی هست، هدف آزمونها اکنون آزمودن تسلط دانشجو به موضوع نیست، بلکه بیش از هرچیز مانعی است برای کاهش قابل توجه از عده کسانی که می‌خواهند تحصیلات عالی را ادامه دهند.

کسانی که از طریق این راههای درست یا نادرست از مانع می‌گذرند، گروه اندکی هستند که نگرش ذهنی نخبگان را دارند، یعنی واجد خصوصیات طبیعی معینی هستند که دیگران فاقد آنهاند. این نخوت شبه روشنفکری غالباً باین سخن ادا می‌شود: «پس از فراغت از تحصیل، تنها چیزی که همیشه می‌خوانم، صفحه‌های ورزشی روزنامه‌هاست».

در کشورهای توسعه نیافته که تقاضاها بسیار محدود است - بیشتر کتابها همواره در قفسه‌ها بدون استفاده می‌ماند و خاک می‌خورد - این محتوای خاص آموزشی در خدمت‌های کتابداری نتیجه می‌دهد. فشار اجتماعی برای گسترش خدمت‌های کتابداری به حداقل می‌رسد، زیرا که از نظر اکثریت مردم، کتابخانه‌ها ربط اجتماعی زیادی ندارد. تعجب نکنیم اگر نقش خدمت‌های کتابداری هنوز محدود و منزلت اجتماعی این حرفه نسبتاً نازل است.

بسیاری از کتابداران و مقام‌های دولتی این‌گونه عامل‌های بنیادی را تشخیص نداده‌اند. کوششهایی که برای حل این مشکلات به کار بسته شده است شامل به خدمت گرفتن متخصصان برای مشورت درباره شروع واحد و نظام‌های اطلاعاتی، تدوین استانداردهای تقلید شده از کشورهای غربی یا درخواست برای کمک خارجی است. تا این زمان، بیشتر این گونه تلاشها انتظارها را برآورده نساخته است. اتباع بیگانه کشور را ترك می‌کنند و کتابخانه‌های نمونه آنها بسرعت به ویرانسرای سابق تبدیل و جزوه و متون درسی آنها کنار گذاشته می‌شود. استانداردهای تدوین شده، جز کنجکاوی موقت، چیزی را حل نمی‌کند. کمکهای خارجی ارز خارجی را وارد کشور می‌کند. تأثیر اندک این کمک ثابت کرده است که در توسعه خدمت‌های اطلاعاتی فقط اهمیتی فرعی دارد؛ پول به تنهایی موجود نظامی اطلاعاتی نیست که در آن خوانندگان، اصول و مفروضات، اسناد و کارکنان دخیل

باشد. چیزی که برای این گونه خدماتها اهمیت درجه اول دارد، اشتیاق و انگیزه محلی است. مساعدت خارجی می تواند کمک کند، اما در توسعه خدماتهای اطلاعاتی در کشورهای توسعه نیافته هیچ گاه تعیین کننده نیست. در واقع دستیابی دوره های به آن، وقتی که این گونه کمکهای خارجی پایان می گیرد، می تواند برنامه ریزان را در طرحهای پرخرج نیمه تمام درگیر کند؛ یا کمکها که قطع شود دستگاههای پرخرجی روی دست بماند که قطعه های یدکی یا دستورگان (نرم افزار) آنها از راه نرسیده باشد.

رابطه کار اطلاعاتی و توسعه اجتماعی - اقتصادی :

در جامعه های توسعه نیافته توسعه اجتماعی - اقتصادی به هر زمانی مربوط می شود. واحدهای اطلاعاتی نمی توانند خود را از این تقلای اجتماعی که هدف آن بخشیدن زندگی بهتری به مردم است، جدا ساخته و به این جدایی ادامه دهند. هر کسی که در واحدی اطلاعاتی کار می کند، باید این سیر تاریخی را به گونه ای مطالعه کند که معلوم شود از او چه انتظاری می رود. هر کسی که از این وظیفه شانه خالی کند، مخاطره فزونخواهی را پذیرفته است، زیرا در توزیع منابع کمیاب فقط کسانی که بتوانند ثابت کنند توانایی ایجاد موازنه مناسب هزینه - سودآوری را دارند، شایسته بودجه هایی هستند که به آنها نیاز دارند. ما حق نداریم انتظار چیز دیگری را داشته باشیم.

به نظر من، داشتن نگرش درست، مهمترین عامل در تعیین این نکته است که در این تنازع بقاء، خدماتهای اطلاعاتی چگونه دخیل خواهد بود. فراهم آوردن اطلاعات مرتبط با توسعه در زمینه های کشاورزی، صنعت، بازرگانی، آموزش و پرورش و بهداشت، نیازی است که باید به آن توجه کرد. متأسفانه اکثریت کارکنان اطلاعاتی در جامعه های توسعه نیافته در رهیافتشان بیم و هراس دارند و درباره فعالیتها و راههایی که خدماتهای اطلاعاتی در آنها می تواند در این تقلای اجتماعی شرکت داشته باشد، دید محدودی دارند. من جداً معتقدم کسی که با توجه به توسعه ملی کار

اطلاعاتی می‌کند، در قبال این تقلای اجتماعی احساس رسالت و عمل می‌کند، و اهمیت و فوریت نوسازی‌را، که احتمالاً نقشی موثر و کاملاً دخیل دارد، می‌فهمد. شاید همچنین کاملاً آشکار باشد که کسی که کار اطلاعاتی می‌کند، اگر خودش را به‌دیدگاهی محدود کند که وظیفه‌اش را بااستانداردهای اروپایی ببیند، ممکن است محیطش را عقب‌مانده و بی‌حاصل ببیند و امیدی برای شغل و وظیفه‌اش نبیند. از سوی دیگر آنکه محیطش را برای بهتر شدن به‌چالشی مثبت می‌خواند، می‌تواند به‌عامل مسؤل تغییر تبدیل شود.

فقط از راه مشارکت در این تقلای علیه دشمنان فقر، جهل و بیماری است که ارتباط خدمت‌های اطلاعاتی را می‌توان با قوت تحکیم بخشید.

خلاصه مطلب :

در این مقاله سعی شده است چگونگی توسعه خدمت‌های اطلاعاتی در شرایط فقر بررسی شود. کارکنان اطلاعاتی باید شرایط کار اطلاعاتی را که با نیازهای کشورهای توسعه نیافته سازگار باشد، تنظیم و تدوین کنند. از آنجا که این وظیفه را در شرایط حداکثر فقر باید انجام داد، از منابع محدود برای حداکثر سودآوری باید استفاده کرد. نباید هدفها را باوسایل خلط کرد: ساختمان، وسیله نقلیه و دستمزد هدف نیست و بنابراین هزینه روی این اقلام را فقط در صورتی می‌توان توجیه کرد که شمار استفاده‌کنندگان افزایش یابد.

برای توسعه مجموعه‌ای از دانش درباره بهترین راه به‌ثمر رسانیدن چالشها، ذهنی باز و نگرشی عینی لازم است. شیوه‌هایی که برای گرد آوردن این مجموعه از دانش می‌توان به‌کاربرد، جرح و تعدیل و آزمونی‌را شامل می‌شود که به‌مشکلات عملی مربوط است. کمیابی منابع باید در الگوی خدمت‌های اطلاعاتی، نقش کارکنان اطلاعاتی، راهی که خدمت‌های اطلاعاتی بامحل مورد نظر سازگاری دارد و مشارکت فعالانه کارکنان اطلاعاتی در توسعه ملی بازتاب داشته باشد.

الگوی خدمت‌های اطلاعاتی باید بیشتر بازتاب توان اقتصادی کشور مورد نظر باشد تا پیروی استانداردهایی که با چشم بسته از کشورهای توسعه یافته تقلید شده است. مفهوم هزینه - سودآوری در تأمین استفاده مطلوب از منابع اندک و ارزانترین راهی که باید دنبال کرد، اهمیت اساسی دارد. لازم است که به‌الگوی خدمت‌های اطلاعاتی از پایین به بالا رسید تا از بالا به پایین. واحدهای کوچک و ارزان و در نزدیکی محلی که مردم عملاً زندگی می‌کنند، باید مقدم بر کتابخانه‌های بزرگ و پیچیده باشد.

ضرورت دارد که کارکنان اطلاعاتی نگرشی مهاجم را پیروانند و در تلاش اجتماعی برای توسعه ملی به‌طور کامل مشارکت جویند. برای استفاده اقتصادی از منابع اندک به‌همکاری نیز نیاز هست. برای رسیدن به این هدف باید مشکلات روانی کنونی را شناخت و بر آنها غلبه کرد. این گونه مشکلات، نتیجه فرصت‌های شغلی محدود است که باعث می‌شود مردم به‌چشم رقیب به‌دیگران نگاه کنند و امتیازهای دیگران را به‌منزله تهدیدی علیه موقعیت‌های خود بدانند. مشکل دیگر، نظام آموزشی روبه‌زوال است که به‌طور کلی نتیجه تحکم در تعلیم و روش تک‌متنی است. چنین نظامی به‌ایجاد عادت‌های وسیع خواندن نمی‌انجامد.

نتیجه آنکه کارکنان اطلاعاتی باید در جامعه‌های خودشان راه - حل‌های مشکلاتشان را بیابند نه اینکه به‌کمک بیگانه اتکاء کنند.

مأخذ ترجمه :

K.J. Mchombu. "On the Librarianship of Poverty", in: Munitaz A. Anwar. *Information Services in Muslim Countries*. London, Mansell. 1985, pp. 13 - 23.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی